

شنبه 2 بهمن 1395 - 22 ربیع الثانی 1437 - 21 ژانویه 2017

تأسیس بانک بازرگانی اولین بانک خصوصی ایران ...

**تأسیس ، بانک بازرگانی ، امل ، بانک خصوصی ، امان (1328 ش)**

«بانک بازرگانی ایران» به عنوان اولین بانک خصوصی در ایران به صورت شرکت سهامی در بهمن ماه ۱۳۲۸ تأسیس شد و در سال ۱۳۲۹ فعالیت‌های بانکی خود را آغاز کرد. این بانک نخستین بانک خصوصی با مالکیت ۱۰۰٪ ایرانی بود. این بانک در محل پیشین شعبه بازار بانک شاهی واقع در خیابان بوذرجمهری تهران روبروی مسجد سلطانی با ۱۸ نفر کارمند گشایش یافت و در سال ۱۳۲۹ به علت توسعه فعالیت‌های بانک در خیابان سعدی اقدام به تأسیس شعبه کرد. در سال ۱۳۳۱ بزرگترین موفقیت بانک بازرگانی ایران که خریداری محل بانک شاهی به مبلغ ۳/۵ میلیون تومان بود، تحقق یافت. بانک بازرگانی در ۲۹ شهریور ماه ۱۳۳۱ بنای ساخته شده توسط قهرمان میرزا امیرلشکر را، از بانک شاهی خریدار نمود. بانک بازرگانی فعالیت‌های چشمگیری در رقابت با بانک‌های دولتی مانند بانک‌های ملی، سپه، کشاورزی، رهنی، کارگشایی و صنعتی آغاز کرد و به ارائه انواع خدمات بانکی مبادرت ورزید. یکی از اقدامات این بانک در آن زمان افتتاح حساب سیار بود. دارندگان این حساب بوسیله دفترچه می‌توانستند از موجودی خود در تمام شهرستان‌هایی که بانک در آنجا شعبه داشته‌است برداشت نمایند. علاوه برآنکه به موجودی این حساب‌ها سود قابل ملاحظه‌ای نیز تعلق می‌گرفت و سالانه دوبار نیز در ماه‌های مهر و بهمن قرعه‌کشی برگزار و به برندگان جوایزی پرداخت می‌شد. سرمایه پرداختی «بانک بازرگانی ایران» در پایان اسفند ماه ۱۳۴۹ به مبلغ ۲۵۰ میلیون ریال می‌رسید. این بانک پس از اجرای ماده ۱۷ لایحه قانونی ادغام بانک‌ها در سال ۱۳۵۸ در بانک تجارت ادغام شد.

تحریم رفتارندوم فرمایشی رژیم "محمدرضا پهلوی" توسط "امام خمینی" (ره) (1341ش) پس از اعلام لوایح شش‌گانه شاه به عنوان انقلاب سفید و تعیین روز ششم بهمن 1341 جهت برگزاری رفتارندوم عمومی، حضرت امام خمینی، در پاسخ به استفتاء گروهی از مردم مسلمان ایران، با انجام این همه‌پرسی مخالفت و آن را خلاف شرع اسلام و قانون اساسی ایران اعلام کردند. شاه در روز نوزدهم دی ماه 41، لوایحی را برای اصلاحات ارضی، ملی کردن جنگل‌ها، فروش سهام کارخانجات دولتی، سهم کردن کارگران در منافع کارگاه‌های تولیدی و صنعتی، اصلاح قانون انتخابات و ایجاد سپاه دانش اعلام کرده و خواستار برگزاری همه‌پرسی در این زمینه شده بود. اما حضرت امام باتوجه به پیش‌بینی نشدن همه‌پرسی در قانون اساسی، مبهم بودن لوایح و بی‌اطلاعی مردم از محتوای آنها و نیز نبودن آزادی و توسل مأموران رژیم به تهدید و تطمیع مردم، همه‌پرسی درباره لوایح شش‌گانه شاه را خلاف شرع و قانون اساسی، اعلام نمودند. در دوم بهمن 41، پس از انتشار اعلامیه امام درباره تحریم همه‌پرسی شاه، مردم تهران با تعطیل کردن بازار، در خیابان‌ها به تظاهرات پرداختند. در اوج تظاهرات، سخنان تند انتقادآمیزی علیه دولت توسط حجت‌الاسلام شیخ محمدتقی فلسفی ایراد گردید که به حضور پلیس و درگیری با مردم انجامید. در قم نیز بازار تعطیل شد و روحانیان و مردم مسلمان این شهر، بر ضد لوایح شش‌گانه شاه به تظاهرات پرداختند.

رحلت حکیم عارف و محدث مفسر ملامحمد محسن فیض کاشانی (1091 ق) محمد بن شاه مرتضی، ملقب به محسن معروف به ملامحسن فیض کاشانی، در چهاردهم صفر سال 1007 هجری قمری در کاشان به دنیا آمد. وی مقدمات را در زادگاه خود فرا گرفت و در جوانی راهی اصفهان گردید. ملامحسن در محضر علمای نامور زمان از قبیل علامه محمدتقی مجلسی، شیخ بهایی، میرداماد، میرفندرسکی و ملاصدراي شیرازی زانوی ادب زد و به کسب علم پرداخت. آن هنگام که ملاصدرا در روستای کهک قم ساکن بود، ملامحسن، مونس وی گردید و ملاصدرا دخترش را به وی تزویج نمود و به او لقب فیض داد. وی پس از سالیانی، راهی کاشان شد و به تدریس و تالیف همت گماشت. علم الهدی و معین‌الدین، (فرزندان فیض) محمد مومن (برادرش) ضیاءالدین محمد و ده‌ها فاضل دیگر از جمله شاگردان مکتب درسی او بودند. ملامحسن هم‌چنین در طول 65 سال تحقیق و مطالعه، نزدیک به دویست کتاب و رساله‌ی نفیس در علوم و متون مختلف نگاشت. تفسیر صافی، تفسیر اصفی و تفسیر مصفی در تفسیر، الوافی، الشافی و المَحَجَّةُ البیضاء و ده‌ها اثر گران‌سنگ ایشان در کلام، عرفان، اخلاق، ادب و موضوعات دیگر، نشانگر روح پر تلاش و احاطه‌ی ایشان بر معارف اسلامی و علوم روز می‌باشد. سرانجام این فقیه وارسته و این عالم کامل در 84 سالگی دار فانی را وداع گفت و در زمینی که بعدها به قبرستان فیض معروف شد، مدفون گردید. برطبق وصیت ملامحسن فیض کاشانی، بر روی قبر وی سقف و سایبانی ساخته نشده است.

اعدام "لویی شانزدهم" پادشاه فرانسه در جریان انقلاب این کشور (1793م) وخامت اوضاع اقتصادی در فرانسه باعث شد تا لویی شانزدهم و هیأت حاکمه این کشور از نمایندگان طبقات مختلف جامعه برای اجتماع و یافتن راه حل کمک جویند اما در عمل، این طبقات اشرافی بودند که به منافع دست یافتند. با این پیش‌زمینه از اوایل سال 1789م انقلاب فرانسه وارد اولین مرحله خود شد و مردم خشمگین از اعمال مستبدانه لویی شانزدهم سر به شورش برداشتند. آنها پس از به غنیمت گرفتن توپ و تفنگ از دولت، در 14 ژوئیه 1789م زندان باستیل، محل نگهداری زندانیان سیاسی را با خاک یکسان کردند و ضربه‌ای سخت و مستقیم بر حکومت دیکتاتوری وارد نمودند. در ادامه رویدادهای فرانسه، در دهم اوت 1792م، خاندان سلطنتی محبوس شدند و از سوی رهبران

انقلاب، انقراض حکومت پادشاهی و تأسیس جمهوری اعلام گردید. ولی اتخاذ تصمیم نهایی درباره سرنوشت خانواده سلطنتی به عهده مجلس دیگری که کنوانسیون نامیده می‌شد محول گردید. بحث کنوانسیون درباره سرنوشت لویی شانزدهم 24 ساعت به طول انجامید و در این مدت، یک يك اعضاي کنوانسیون، پشت تریبون رفته و پس از اظهار نظر، رای خود را اعلام می‌کردند. در تمام مدت تشکیل جلسه، در اطراف کنوانسیون، تظاهراتی به طرفداری از صدور حکم اعدام لویی شانزدهم جریان داشت. در چنین جوی، تصویب حکم اعدام پادشاه فرانسه در کنوانسیون، امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر بود. در نهایت، این مجلس در 16 ژانویه 1793م، پیشنهاد اعدام لویی را داد؛ زیرا وجود لویی را خطر بالقوه‌ای برای جمهوری تازه تأسیس فرانسه می‌دانست. بدین ترتیب، لویی شانزدهم به جرم دیکتاتوری و نیز همدستی با کشورهای بیگانه محاکمه و در 21 ژانویه 1793 در 39 سالگی در میدانی که امروز به نام میدان کنکورد معروف است به وسیله گیوتین اعدام شد. نکته شگفت‌آور اینکه او با همه ضعف و زبونی که در حل مسائل زندگی‌اش از خود نشان داد، مرگ را با شجاعت و خونسردی استقبال کرد.